

# اندیشه‌های تفسیری

## امام خمینی علیه السلام

دکتر صدیقه مهدوی کنی\*

### چکیده

امام خمینی، از بزرگ‌ترین مفسران شیعی است که به تفسیر قرآن پرداخت و دیدگاه‌های خود را سخنرانی‌ها و کتاب‌های مختلف بیان کرد. وی در دوران جوانی، به سبب انس به عرفان، به تألیف کتاب‌های عرفانی پرداخت اما نه تنها تحت تأثیر مبانی عرفانی، فلسفی و کلامی قرار نگرفت؛ بلکه با اعتقاد به این‌که باید آن مبانی را از قرآن استخراج و کشف نمود، به تفسیر آن پرداخت. از آن‌جا که هدف اصلی قرآن را هدایت انسان‌ها و ساختن فرد و جامعه الهی می‌دانست در دوره‌های بعد، سخنان و نوشتارهای خود را با همین هدف در گرایش‌های مختلف ارائه کرد.

این مقاله بر آن است تا ضمن ارائه دیدگاه‌های امام خمینی درباره موضوعات قرآنی، هدف از نزول آن کتاب آسمانی و گرایش‌های تفسیری آن مفسر بزرگ در قرآن را تبیین کند. به نظر نگارنده، بزرگ‌ترین موفقیت تفسیری امام خمینی در سه گرایش سازگار با هم: متن‌گرایی، تأویل‌گرایی و عمل‌گرایی، است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی علیه السلام، تفسیر، قرآن، جامعیت، هدایت.

## مقدمه

دین و دستورهای آن برای کمال انسان و سعادت جوامع بشری آمده است. رسیدن به سعادت و کمال جز از راه نفوذ آوای وحی در جان انسان ممکن نیست. این خوان گسترده که برای استفاده عموم نازل شده است باید برای همگان قابل فهم باشد؛ اما به دلیل وجود بعضی کنایه‌ها، مجازها، آیات محکم و متشابه، لطایف و... عقول اهل معرفت در آن حیران مانده‌اند و نیاز به تفسیر و تأویل آیات قرآنی روزافزون می‌نماید.

هر یک از مفسران از دریچه‌ای به قرآن نگاه کرده و روش خاصی را در تفسیر خود برگزیده‌اند؛ بعضی از منظر فلسفی، برخی با نگرش کلامی و شماری از دریچه عرفان به قرآن نظر افکنده‌اند. در حقیقت، هر مفسری تحت تأثیر پیش فرض‌های خود به سراغ تفسیر قرآن رفته است. از این دیدگاه، کتاب‌های تفسیری را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

## ۱. تفسیر بر اساس پیش فرض‌های متدیک\*\*

مفسر در این گونه تفاسیر، از ابتدا اهدافش را تعیین و سپس شروع به تفسیر می‌کند و معمولاً آیات را به نحوی تأویل می‌نماید تا با مبانی خود تطبیق بکند. این اهداف می‌تواند جنبه کلامی، عرفانی، فلسفی و... داشته باشد.

## ۲. تفسیر بر اساس پیش فرض‌های روان‌شناختی (شخصیتی)\*\*\*

مفسر در این گونه از تفاسیر، مبانی را از قرآن استخراج و کشف می‌کند؛ ولی نمی‌توان او را به طور کامل از شرایط محیطی و تربیتی که در آن شکل گرفته جدا نمود. مسلماً او نیز تحت تأثیر آن شرایط قرار دارد، اما او سعی می‌کند مبانی خود

\* Methodological presupposition.

\*\*\* Psychological Presupposition.

را بر قرآن تحمیل نکرده، بلکه آن را از قرآن استخراج کند. در چنین تفسیرهایی برای این‌که بفهمیم چه مقدار تفسیر تحت تأثیر شخصیت مفسر بوده، لازم است شخصیت و زندگی او را بشناسیم تا بتوانیم این رابطه را به دست آوریم.

امام خمینی علیه السلام جزء آن دسته از مفسرانی است که قرآن را دارای مبانی فلسفی، عرفانی و کلامی دانسته و با اعتقاد به این‌که باید آن مبانی را استخراج و کشف نمود نه این‌که مبانی خود را با قرآن تطبیق داد، به تفسیر قرآن پرداخته است. وی در تفسیر سوره حمد این چنین گوشزد می‌کند:

در این اواخر هم یک اشخاصی پیدا شده‌اند که اصلاً اهل تفسیر نیستند؛ اینها خواسته‌اند مقاصدی را که خودشان دارند به قرآن و به سنت

نسبت بدهند. (امام خمینی، الف، ۱۳۷۸، ص ۹۵)

امام خمینی علیه السلام که سالیان پربرکت عمر خویش را در راه اعتلای قرآن سپری نمود، دیدگاه‌های خود را نه به سبک و سیاق معمول بیان نمود و نه در یک اثر مستقل تألیف کرد؛ بلکه در نوشته‌ها و گفته‌های خود مطالبی را بیان کرد که نه تنها تحت تأثیر مبانی کلامی، عرفانی و یا فلسفی قرار نداشت بلکه حتی شرایط محیطی و شخصیتی نتوانست در دیدگاه‌های او تأثیری بگذارد. وی در دوران جوانی به سبب انس با عرفان، به تألیف کتاب‌های عرفانی پرداخت اما در دوره‌های بعد می‌توان بیانات و نوشتارهای ایشان را در گرایش‌های مختلف مشاهده و بررسی نمود؛ چنان‌که خودش فرمود:

قرآن یک سفره گسترده‌ای است از ازل تا ابد، که از او همه قشرهای بشر استفاده می‌کنند و می‌توانند استفاده کنند؛ منتها هر قشری که یک مسلک خاصی دارد روی آن مسلک خاص تکیه می‌زند؛ فلاسفه روی مسائل فلسفی اسلام، عرفا روی مسائل عرفانی اسلام، فقها روی مسائل فقهی اسلام... لکن اسلام همه چیز است و قرآن همه چیز.

(امام خمینی، ج، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۲)

وی با این اعتقاد که عظمت قرآن باعث شده که تاکنون تفسیری مناسب با این عظمت برای این کتاب نوشته نشود، می‌فرماید:

این تفسیرهایی که (درباره) قرآن نوشته شده، از اول تا حالا اینها تفسیر قرآن نیستند، اینها یک ترجمه‌هایی؛ یک بویی از قرآن بعضی‌شان دارند و الا تفسیر نیست. (امام خمینی، ج، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۸) قبل از اینکه انسان، قرآن کریم را تفسیر کند او انسان را تفسیر کرده است. قرآن کریم آمده است تا مفسر انسانیت انسان باشد؛ و قرآن کتابی نیست که انسان را تفسیر کند.

### قرآن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی در جای جای بیانات، اشعار و نوشته‌های خود از قرآن و مقام بلند آن یاد کرده، از جایگاهی بلند به آن می‌نگرد و آن را سر، سر مستتر به سر و دست نیافتنی، ولی تنزل یافته به نحو تجلی، نه به نحو تجافی می‌داند؛ به طوری که آن را شامل همه دستورهایی که برای سعادت و کمال بشر لازم است معرفی می‌نماید.

کتاب یعنی قرآن تبیان کل شی است، روشنگر همه امور است.

(امام خمینی، ب، ۱۳۷۸، ص ۲۱)

تجلی یعنی در حالی که بالا است در پایین نیز وجود دارد و در حالی که در پایین است در بالا نیز وجود دارد. هنگامی که یک قطره باران از بالا به پایین نازل می‌شود این نزول را تجافی می‌گویند؛ زیرا وقتی در بالا است در پایین نیست و وقتی که پایین آمده است در بالا حضور ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۱)

قرآن سرّ است؛ سرّ سرّ است؛ سرّ مستتر به سرّ است؛ سرّ مقنع به سرّ است و باید تنزل کند بیاید پایین تا این‌که برسد به مراتب نازله.

(امام خمینی، الف، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵)

## دیدگاه امام خمینی در موضوعات قرآنی

امام خمینی نگاه خود را در بیان تفسیری و موضوع‌شناسی قرآن به مسئله مبدأ و معاد معطوف داشته و از «کجایی به کجایی» و «انا لله و انا الیه راجعون» را اوج این مسأله دانسته و توصیه به شناخت آن نموده و سپس به موضوعات مهم آن اشاراتی نموده است.

### ۱. مبدأشناسی

یکی از مطالب این صحیفه الهیه، کیفیت احتجاجات و براهینی است که ذات مقدس حق تعالی یا خود اقامه فرموده... مثل ﴿شهاد الله انه لا اله الا هو﴾<sup>۱</sup> (سوره آل عمران، آیه ۱۸)، گاهی براهینی است که حکما و دانشمندان طوری از آن استفاده کنند... مثل کریمه ﴿وكان فيهما اله الا الله لقد اتاها﴾<sup>۲</sup> (سوره انبياء، آیه ۲۲) (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۹۱)

امام خمینی شناخت مبدأ را دارای مراحل دانسته و شناسایی آن را در حد قابلیت و ظرفیت هر شخص معرفی کرده است. وی در تفسیر سوره حمد می‌فرماید:

برای شناخت خدا به هر آیتی بسنده نکنید، گرچه خداوند سبحان سفره عامی را گشوده است؛ ولی بکوشید خدا را در حد ﴿افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت﴾<sup>۳</sup> (سوره غاشیه، آیه ۱۷) بشناسید؛ چرا که به اندازه شترشناس، خداشناس خواهید شد... بکوشید ذات اقدس اله را با اسماء حسنايش بشناسید. (امام خمینی، الف، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶)

<sup>۱</sup> خداوند شهادت داد که خدایی جز او نیست.

<sup>۲</sup> اگر جز خدا، خدایانی بود زمین و آسمان تباه می‌شدند.

<sup>۳</sup> آیا (متکران مبدأ و معاد) در آفرینش شتر نمی‌نگرند که چگونه خلق شده است.

وی طریقهٔ خداشناسی را این گونه معرفی می‌نماید:

پس طریقهٔ خداخواهی و خداجویی به آن است که انسان در ابتدای امر، وقتش را صرف مذاکرهٔ حق کند و علم به الله و اسماء و صفات آن ذات مقدس را از راه معمولی آن در خدمت مشایخ آن علم تحصیل کند و پس از آن به ریاضات علمی و عملی، معارف را وارد قلب کند. (بیشین، الف، ۱۳۶۰، ص ۲۵۹)

## ۲. معادشناسی

امام خمینی می‌فرماید:

یکی از مطالب قرآن شریف، احوال معاد و پراهین بر اثبات آن بر کیفیت عذاب و عقاب و جزا و ثواب آن بر کیفیت عذاب و عقاب و جزا و ثواب آن، و تفصیل جنت و نار و تعذیب و تنعیم. (بیشین، ۱۳۷۰، ص ۱۹۰)

نیز می‌فرماید:

معادشناسی هرکسی به اندازهٔ مبدأشناسی است؛ لذا ذات اقدس اله دربارۀ منکران معاد می‌فرماید: ﴿ماقدر والله حق قدره﴾ (سورهٔ انعام، آیهٔ ۹۱) آنان چون مبدأ را نشناختند معاد را انکار کرده‌اند. بنابراین، ترس از قیامت نیز اندازهٔ معرفت انسان است.

## ۳. بیان قوانین شریعت و احکام

از دیگر موضوعات قرآنی مورد توجه امام خمینی، بیان قوانین ظاهر شریعت و آداب و سنن الهی است که در این کتاب نورانی کلیات آن ذکر شده و عمدهٔ مباحث آن دعوت به اصول مطالب و ضوابط است؛ مثل باب صلوه، زکات، حج و... از جمله آیاتی که تفسیر آن را بدون استناد به روایات و آیات و صرفاً به حکم

عقل مذموم می‌شمارد این گونه آیات است و راهی برای تأویل این گونه آیات معرفی نمی‌نمایند.

پس محتمل است که تفسیر به رأی، راجع به آیات احکام باشد که دست آراء عقول از آن کوتاه و صرف تعبد و انقیاد از خزّان وحی و مهابط ملائکه الله باید اخذ کرد. در بعضی روایات شریفه است که دین الله لایصاب بالعقول، (مجلسی، ج ۲، کتاب العلم، ص ۳۰۳، ح ۴۱) شهادت دهد بر این که مقصود از دین الله، احکام تعبدی دین است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰)

#### ۴. ذکر قصص انبیاء

بعضی از آیات قرآن برای عبرت آیندگان، قصه و تاریخ گذشته را بیان نموده است:

دیگر از مطالب این صحیفه الهیه، قصص انبیاء و اولیاء و حکما است. در این کتاب شریف، قضایا به طوری شیرین اتفاق افتاده که تکرار آن انسان را کسل نکند، بلکه در هر دفعه که اصل مطلب را تکرار می‌کند خصوصیات و لواحق در آن مذکور است که در دیگران نیست، بلکه هر دفعه یک نکته مهم عرفانی یا اخلاقی را مورد نظر قرار داده. (پیشین، ص ۱۸۸)

#### ۵. بیان احوال کفار

برخی آیات به قضایای مخالفان پیامبران علیهم السلام - از جمله فرعون و قارون - و مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حوادث و وقایع مربوطه پرداخته است.

از دیگر مطالب این صحیفه نورانی، بیان احوال کفار، جاهدین، مخالفان با حق و حقیقت و معاندین با انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام، بیان کیفیت عواقب امور آنها و چگونگی بوار و هلاک آنهاست. (پیشین، ص ۱۸۹)

### ۶. بیان غزوات رسول خدا

امام خمینی فرمود:

قضایای غزوات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در آنها نیز مطالب شریفه مذکور است که یکی از آنها کیفیت مجاهدات اصحاب رسول خدا است، برای بیدار کردن مسلمین از خواب غفلت و برانگیختن آنهاست؛ برای مجاهدت فی سبیل‌الله و تنفیذ کلمه حق و امامت باطل. (پیشین، ص ۱۹۰)

نیز فرمود:

و اینها مهمات مطالب این کتاب است و الا دیگر مطالب متفرقه نیز موجود است. (پیشین، ص ۱۹۱)

### هدف از نزول قرآن پروپاگاندای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دیدگاه امام خمینی در زمینه تفسیر قرآن، شبیه دیدگاه بعضی از اصحاب هرمنوتیک\* است که فهم متون را متمرکز در شناخت نیت مؤلف دانسته و بر آن تصریح کرده و وظیفه مفسر را در شناخت مقصد خداوند و شرح آن دانسته و تفسیری را که از اهداف و مقاصد دور بماند تفسیری مرده به شمار آورده و بالاترین اهانت‌ها را به قرآن پشت پا زدن به مقاصد دعوت‌های آن دانسته است. (پیشین، ص ۲۱۰) برای شناخت این مقصد باید از خود کتاب کمک گرفت. بدیهی است هرچه صاحب کتاب برای مفسر شناخته شده‌تر باشد شناخت مقاصد آن

\* هرش (عوی، کورتز، حلقه انتقادی، ص ۸۷)



نیز آسانتر خواهد بود. ایشان در این رابطه می‌فرماید:

ما باید مقصد از تنزیل این کتاب را قطع نظر از جهات عقل برهانی، که خود به ما قصد را می‌فهماند از خود کتاب اخذ کنیم. مصنف کتاب، مقصود خود را بهتر می‌داند. (پیشین، ص ۱۹۳)

مفسر وقتی مقصد از نزول را به ما فهماند، مفسر است نه سبب نزول. (پیشین، ص ۱۹۳)

امام خمینی در صدد بیان این مقاصد برآمده و در اعمال و رفتار خود نیز آن را سرلوحه زندگی قرار داده و هدف از نزول این کتاب آسمانی را در چند نکته اساسی خلاصه کرده است:

#### ۱. هدایت

یکی از مهمترین نکاتی که امام خمینی بر روی آن تأکید دارد، مسئله انسان و هدایت او است.

بدان که این کتاب شریف، چنانچه خود بدان تصریح فرموده، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله است. (پیشین، ص ۱۸۴)

قرآن یک آدم‌سازی می‌خواهد بکند... (پیشین، ج: ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۳۸۱)

قرآن این مسأله را بارها و بارها به صورت قصه موسی، ابراهیم و موعظه و... بیان نموده تا شاید از رهگذر ای تکرار مؤثر افتد.

#### ۲. وصول به مقام قرب

خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان، این کتاب شریف را از تمام قرب و قدس خود نازل فرموده... برای استخلاص مسجونین

در این زندان تاریک دنیا و رهایی مغلولین در زنجیرهای آمال و امانی و رساندن آنها از حسیض نقص به اوج کمال، و از مجاورت شیطان به مرافقت ملکوتین، بلکه به وصول به تمام قرب و حصول مرتبه لقاءالله که اعظم مقاصد و مطالب اهل‌الله است و از این جهت این کتاب، کتاب دعوت به حق و سعادت است: ﴿الله نور السماوات و الارض﴾ (سوره نور، آیه ۳۵)  
(امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۵)

### ۳. دعوت به تهذیب نفوس

امام خمینی یکی دیگر از مقاصد و مطالب قرآن را دعوت به تهذیب نفوس و تحصیل سعادت و بیان کیفیت سیر و سلوک الی‌الله بیان نموده است. ایشان برای دست یافتن به این مقصد، به دو مطلب مهم اشاره می‌فرماید:

الف) تقوا به جمیع مراتب آن که مندرج در آن است، تقوی از غیر حق و اعراض مطلق از سوی الله؛

ب) ایمان به تمام مراتب و شؤون که در آن مندرج است، اقبال به حق رجوع و ائابه آن ذات مقدس: ﴿قد افلح من زکیمها و قد خاب من دسیها﴾ (سوره شمس، آیه ۹) (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۶)

### ۴. عبرت

برای تعلیم و تربیت عده‌ای از افراد، نمی‌توان با صراحت لهجه و بیان، اصل مطلب و مقاصد را بیان نمود. از این رو، قرآن برای عبرت و توجه این افراد به بیان قصه انبیاء پرداخته است:

این‌که قصص قرآنی، مثل قصه آدم و موسی و ابراهیم و دیگر

انبیاء علیهم السلام، مکرر ذکر شده، برای همین نکته است که این کتاب، کتاب قصه و تاریخ نیست، بلکه کتاب سیر و سلوک الی الله... است و در این امور، مطلوب تکرار است تا در نفوس قاسیه تأثیر بکند و قلوب از آن موعظت گیرد. (پیشین، ص ۱۸۷)

### ۵. تفکر و تدبیر

امام خمینی بارها در سخنان و نوشته‌های خود، مردم را به تفکر و تدبیر در قرآن فراخوانده و آن را وسیله‌ای برای شناخت مقاصد اصلی قرآن معرفی نموده، نه این‌که مقصود اصلی کتاب آسمانی باشد:

مقصود از تفکر آن است که از آیات شریفه جستجوی مقصد و مقصود کند. (پیشین، ص ۲۰۳)

در قرآن کریم، بسیار دعوت به تفکر کرده، و تعریف و تحسین از آن بسیار نموده است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾\* (سوره نحل، آیه ۴۴)

عنایت انزال کتاب بزرگ آسمانی را احتمال تفکر قرار داده، عمده در این باب آن است که انسان بفهمد تفکر ممدوح کدام است. (پیشین، ص ۲۰۴ و ۱۹۳)

وی هدف اصلی نزول قرآن و وظیفه اساسی پیامبران را برپایی نظام عادلانه و اجرای احکام در جامعه می‌داند و اکتفا به نقل و تبلیغ این احکام را کافی نمی‌شمارد.

\* ما قرآن را (یکباره) به سوری تو نازل کردیم تا آنچه را که (تدریجاً) بر مردم فرستاده شده است برای آنان بیان کنی، شاید آنان بیندیشند.

### روش‌های تفسیری امام خمینی

گرایش مفسر، بستگی به زاویه دید او به محتوا، مقاصد و معارف موجود در متن؛ کاربرد ابزار فهم در عملیات معارف و پیش فرض‌های مفسر نسبت به آن متن دارد. همان‌طور که قبلاً گفتیم، با توجه به محتوا و مقاصد کتاب الهی و با توجه به دید باز و فراگیر امام خمینی و ویژگی بارز شخصیت او، یعنی اعتدال در افکار، نمی‌توان وی را در یک گرایش محدود نمود. وی در بیان مقاصد قرآنی به تمام ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عرفانی، فقهی و انقلابی قرآن اشاره نموده و به علت آن‌که هدف اصلی قرآن را هدایت انسان‌ها و ساختن فرد و جامعه الهی دانسته، در موقعیت‌های مختلف اجتماعی و فردی، زاویه دیدش نسبت به قرآن تغییر کرده است. امام خمینی با تکیه بر این پیش فرض که همه تفاسیر تک بعدی با قرآن برخورد می‌کنند؛ برخی بعد اجتماعی، بعضی تاریخی و شماری به بعد علمی و فلسفی نظر دارند، و با اشاره به این‌که هر یک از مفسران با توجه به اطلاعات و سلائق و علائق خود به قرآن پرداخته‌اند، نگاه جدیدی به قرآن کرده است:

ما در دو زمان، مبتلای به دو طایفه بودیم. در یک زمان، مبتلا بودیم به یک جمعیتی که قرآن را... به جهت بعد مادیش، بعد دنیابیش، توجه نداشتند؛ تمام را برگرداندند به یک معنویاتی؛ حتی قتال با مشرکین را با قتال با نفس تأویل کردند. طایفه دوم عکس کردند، معنویات را فدای مادیات کردند. (پیشین، ج، ۱۳۷۸)

## اشعار امام خمینی

### ۱. واژه‌های قرآنی

شماری از اشعار امام خمینی که واژه‌های قرآنی مستقیماً در آنها استفاده شده است، عبارتند از:

قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند قصه علم الاسماء به زبان است هنوز  
(امام خمینی، ب، ۱۳۶۹، ص ۳۹)

سروده فوق از آیه ۳۱ بقره: ﴿و علم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم علی الملائكة...﴾ الهام گرفته شده است.

عشق جانان، ریشه دارد در دل از روز الست  
عشق را انجام نبود چون ورا آغاز نیست  
این پریشان حالی از جام «بلی» نوشیده‌ام  
این «بلی» تا وصل دلبر، بی بلا دمساز نیست  
(پیشین، ص ۶۵)

سروده فوق از آیه ۱۷۲ اعراف: ﴿و اذا اخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالوا بلی﴾ الهام گرفته شده است.  
طی شد شب هجر و مطلع فجر نشد یارا! دل مرده تشنه پاسخ توست  
(پیشین، ص ۱۹۶)

سروده فوق از آیه ۵ سوره قدر: ﴿سلام هی حتی مطلع الفجر﴾ الهام گرفته شده است.

گر تو آدم زاده هستی علم الاسماء چه شد  
قاب قوسینت کجا رفته است و او ادنی چه شد  
(پیشین، ص ۴۷)

سروده فوق از آیه ۹ سوره نجم: ﴿و هو بالافق الاعلی ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی﴾ الهام گرفته شده است.

## ۲. مضامین قرآنی

شماری از اشعار امام خمینی که در آنها از مضامین قرآنی استفاده شده است، عبارتند از:

مسجد و صومعه و بتکده و دیر و کنیس

هر کجا می‌گذری، یاد دل آرای من است

سروده فوق از آیه ۱۱۵ سوره بقره: ﴿فَأَيْنَا تَوْلَوْا فَمَجَّاهُ اللَّهُ﴾ الهام گرفته شده است.

یا رب این پرده پندار که بر دیده ماست

باز کن تا که بینم همه عالم نور است

(پیشین، ص ۵۲)

سروده فوق از آیه ۷ سوره بقره: ﴿خَتَمَ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ﴾ الهام گرفته شده است.

ای ناز فراق بر تو گلشن شد برد و سلام از تو آذر

(پیشین، ص ۲۹)

سروده فوق از آیه سوره انبیاء: ﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ الهام گرفته شده است.

## سخنان و نوشته‌های امام خمینی

امام خمینی در سخنان و نوشته‌های خود، به صورت مستقیم و غیرمستقیم از آیات قرآنی استفاده کرده است؛ مانند:

نقش معلم در جامعه، نقش انبیاء است. انبیاء هم معلم بشر هستند. نقش

بسیار حساس و مهمی است که همان نقش تربیت است که اخراج من

الظلمات الی النور است. آنهایی که ﴿اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ

الظلمات الى النور، همین سمت معلمی است. (امام خمینی، ج، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۹۱)

و چون به پیری رسیدم در هر قدم آن مبتلا به استدراج شدم تا به کهولت و ما فوق آن که الان با آن دست به گریبانم. ﴿و منکم من یرد الی ارضه العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً﴾ بدان که یک روزی خواهی بر جوانی که همین سرگرمی‌ها یا بالاتر از آن از دستت رفت... (پیشین، ج، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۱۶۵)

در قرآن شریف هم می‌بینیم که پیغمبر اکرم شکایت کرده است به خدای تبارک تعالی که ﴿إن قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً﴾ قرآن و اسلام مهجور و مظلومند. (پیشین، ج ۱۶، ص ۳۳)

امام خمینی همان‌گونه که خود دارای ابعاد گوناگونی بود، نگاه و زاویه دیدش در موقعیت‌های مختلف به قرآن و دیگر مسائل تغییر می‌کرد و معتقد بود قرآن خود نیز این قابلیت را داراست:

لسان قرآن که از برکات بعثت است... لسانی است که سهل ممتنع است. بسیاری شاید گمان کنند که قرآن را می‌توانند بفهمند، از باب این‌که به نظرشان سهل است. بسیاری از باب معرفت و از باب فلسفه گمان می‌کنند که قرآن را می‌توانند بفهمند، برای این‌که آن بعدی که برای آنها جلوه کرده است و آن بعدی که در پس این ابعاد است برای آنها معلوم نشده است. قرآن دارای ابعادی است. (پیشین، ج، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۳۱)

بزرگترین موفقیت امام خمینی را می‌توان در سه گرایش تفسیری سازگار با هم: متن‌گرایی، عمل‌گرایی و تأویل‌گرایی، خلاصه نمود.

## ۱. گرایش به متن

امام خمینی با اعتقاد به این‌که پیش فرض‌های قرآن، آگاهانه و با تکیه بر متن و بدون هیچ پیش فرضی از بیرون است، در برخی از گفتارها یا نوشتارهایش، مانند تفاسیر سنتی، مقصد خود را از تفسیر، کشف نیت مؤلف، با توجه به متن معرفی کرده و بر این اساس که انسان‌ها مخاطب قرآن هستند و خداوند نیز قصد افهام داشته، به سراغ متن رفته است. وی در کتاب‌های فقهی خود - مانند کتاب البیع - و استفتائات، از این روش بیشترین استفاده را نموده است. در یکی از استفتائات از امام خمینی در مورد تغییر مقام ابراهیم و دو رکعت نماز پشت مقام سؤال شد: آیا دو رکعت نماز طواف باید در جای اول که مقام قرار داشته خوانده شود یا در جای دوم؟ وی در پاسخ به این سؤال، با استناد به آیه ﴿وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مَسْجِدًا﴾ (سوره بقره، آیه ۱۲۵) استفاده کرد و فرمود: مقام، اسم جایگاه سنگ نیست، بلکه عنوان خود سنگ است که ابراهیم بر آن قرار می‌گرفت و ما باید پشت این مقام که خود سنگ است نماز بخوانیم. (جنتی، ۱۳۷۸، ص ۶۲)

## ۲. گرایش به تأویل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امام خمینی معتقد است یکی از عواملی که مفسران را به تأویل قرآن یعنی برگرداندن صورت به معنا و قشر به لب (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۱) وامی‌دارد، پیش دانسته‌ها و پیش فرض‌های آنان است که می‌تواند علمی یا غیر علمی، مثبت یا منفی باشد و آن دسته از پیش فرض‌ها که ارزشی و علمی اند، مانند ذومراتب بودن، را ملاک تأویل صحیح می‌داند.

قرآن، مراتب دارد، هفت بطن یا هفتاد بطن از برای قرآن است، از این

بطون تنزیل کرده تا رسیده به ما. (بیشین، الف، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶)

وی تأویل و تفسیر پیش فرض‌های فاقد ارزش علمی را صحیح نمی‌داند:



قرآن که الآن در دست ماست نازلۀ هفتم قرآن است و آن دسته از پیش فرض‌ها که ارزش علمی ندارند و گاه منجر به برخوردهای متعصبانه و غیر عقلانی می‌شود را نپذیرفته و چنین تأویل و تفسیری را صحیح نمی‌داند. (پیشین، ج ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۳۱)

این آیات را در عین حالی که انسان گمان می‌کند ظاهر است لکن تاکنون کشف نشده است. هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن (سوره حدید، آیه ۳) ... ﴿و هو معکم﴾ اینها آیاتی است که نه مفسّر می‌تواند بفهمد و نه فیلسوف و عارف. هر کس ادعا کند که معنی او را فهمیده است در جهل فرو رفته است. (امام خمینی، ج ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۳۱-۴۳۲)

از نگاه امام خمینی علیه السلام، زبان قرآن، زبان رمز است و جز «من خطب به» کسی آن را نمی‌فهمد:

من خطب به هم یک عده معدودی از اولیاء خدا و معصومین هستند که به وسیله آنها یک حدودی که قابل فهم است برای بشر تفسیر شده است. (پیشین، ص ۴۳۲)

در این مخاطبه، بین حبیب و محبوب و مناجات بین عاشق و معشوق اسراری است که جز او و حبیب کسی را بر آن راه نیست و امکان راه یافتن نیز نمی‌باشد. (پیشین، ج ۱۸، ص ۴۷)

امام خمینی زبان عرفان را بیش از هر زبان دیگری با قرآن نزدیک دانسته و در مکتوبات قرآنی خود بیشترین گرایش را به این روش داشته است. وی هرگاه یک سوره را به طور کامل تفسیر نموده، روش عرفانی را برگزیده و آثار تفسیری خود را به روش عارفان نگاشته است. تفسیر سوره فاتحه الکتاب، شرح دعای سحر، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه نیز بر مبنای عرفان نظری و به سبک تفسیر عرفانی نگاشته شده است.

وی کوشش برخی مفسران،\* مانند محیی الدین عربی،\*\* عبدالرزاق کاشانی، ملاسلطان علی،\*\*\* طنطاوی، سید قطب و طبرسی، را ارجح می‌گذارد و در عین حال

\* امام خمینی در تفسیر سوره حمد که بعد از انقلاب از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد از مفسرانی نام برد که با روش‌های مختلف به تفسیر پرداخته‌اند. ذکر نام بعضی از مفسران از جمله ملا سلطانعلی در کنار مفسرانی مانند ابن عربی و طبرسی جای بررسی و دقت نظر دارد. ما برای شناخت بیشتر در این صفحات به صورت تفصیلی به بررسی زندگی و تفسیر آنها می‌پردازیم.

\*\* محمد بن علی بن محمد عربی (۶۳۸-۵۶۰ ق): وی بزرگ‌ترین عارف قرن هفتم و از عارفان بزرگ اسلام است. حدود ۷۰۰ سال است که آرای او توسط عارفان و متفکران و محققان جهان اسلام، اعم از عرب و عجم و ترک و هند، پژوهش می‌شود. وی شخصیتی کارآزموده و نیزین است که به لحاظ نازک‌اندیشی‌هایش، اصحاب و یارانش از او با القابی مانند محیی الدین؛ الشیخ الاکبر و ابن افلاطون یاد کرده‌اند و دشمنانش او را با القابی مانند الطاغوت الاکبر نکویده‌اند. او در جوانی به تصوف گرایید و بسیاری از مشایخ عصرش را دریافت و سفرهای مکرر به اسپانیا، تونس، مصر، مراکش، بغداد، مکه و دیگر شهرهای شرق اسلامی کرد و هنگام سفر به تألیف آثاری کوتاه و بلند اهتمام ورزید. وی آثاری جاودان و مشهور مانند *فصوص الحکم*، *فتوحات مکیه* و *دیوان شعری* تدوین کرد که در آنها آیات قرآن را به سبک عرفانی تفسیر کرده است؛ آثاری که به سرعتی شگرف نه تنها در شرق و غرب اسلامی انتشار یافت بلکه اروپا را نیز متأثر کرد. از نکته‌های قابل توجه در قلمرو حیات معنوی وی این است که چه در زمان حیات او و چه پس از درگذشتش، طریقتی ویژه که دستگاه خانقاهی رسمی را به نام او به وجود آورد روی نمود. امام خمینی علیه السلام در بسیاری از آثار عرفانی خود از او الهام گرفته است.

\*\*\* سلطان محمد بن حیدر الجنایدی الخراسانی، مشهور به سلطان علی شاه؛ وی از عارفان و صوفیان قرن چهاردهم هجری است که در گناباد چشم به جهان گشود. او در علوم فلسفی از حاج ملاهادی سبزواری بهره برد و پس از آن در طلب مقصود به اصفهان سفر کرد و نزد حاج محمد کاظم سعادتعلیشاه شاگردی نمود. وی در سال ۱۲۸۴ ق. اجازه ارشاد و تلقین اذکار قلبی را گرفت و در سال ۱۲۹۳ ق. پس از مرگ شیخ به جای او نشست. تفسیر وی به نام *بیان السعاده فی مقامات العباده* در سال ۱۳۴۴ ش توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید. او در کتاب خود، ابتدا به شرح نحوی یا معنایی لغات و اصلاحات پرداخته و سپس آیاتی را که قابلیت تفسیر عرفانی داشته، تفسیر عرفانی کرده است؛ یعنی تقریباً عناصر آیه را نماد از چیزهایی گرفته و شرح داده است. تفسیر او پر از مطالب رمزی و همراه با مباحث فلسفی است. او در جریان داستان خلقت آدم، منظور از آدم را *لطیفه عاقله* آدمی می‌داند که خلیفه بر فرشتگان زمین؛ جن و شیطان‌های طرد شده از روی زمین نفس و طبع می‌داند که سجود ملائکه شده، از گل آفریده شده و در بهشت نفس انسانی ساکن است. تفسیر او مورد هجوم زیادی قرار گرفت تا جایی که فقیهی نوشت: از بعضی بزرگان شنیده می‌شود که تفسیر از او نیست، بلکه از صوفی متقدم بر اوست؛ و نام کتاب را تحریف کردند و «بیان الشقاوه» نام نهادند. این نویسنده پس از دیدار با فرزند مؤلف، نظرش تغییر کرد. برخی علما این تفسیر را برگرفته از رشحات ملاهادی سبزواری می‌دانند. مطالبی در تفسیر هست که در هیچ یک از کتب متقدمین موجود نیست. از

که میان عالمان ربانی در سلسله عارفان محقق جای دارد، از همه آنان فاصله می‌گیرد. امام خمینی معتقد است آنان در مسیر سیر به سوی خدا و تقرب به او و بردن از خلق من الخلق الی الحق متوقف گشته‌اند. وی برای اصلاح زندگی انسان و حاکمیت قانون خدا، به سیر بالحق فی الخلق می‌رسد. (جرادی آملی، ۱۳۷۸؛ ص ۲۶۲)

نمونه‌ای از تفاسیر عرفانی امام: اگر بسم الله در حمد، متعلق به معنای حمد باشد یک احتمال این بود که الحمد تمام مصادیق حمد باشد؛ حمد از هر حامدی. این به اسم الله حمد می‌گوید، یعنی گوینده خودش اسم است و اعضا و جوارحش هم از اسماء هستند. فاعل الهی که فاعل وجود است این فرق را با فاعل‌های طبیعی دارد. فاعل الهی طوری فانی در مصدر هست که هیچ حیثیتی از خودش ندارد، هیچ نمود استقلالی از خودش ندارد و به همین جهت در عین حالی که اسماء اله است خودش اسماء الله است.

امام خمینی با دو مبنا به دفاع از شیوه تفسیر عرفانی پرداخته است:

۱- استفادات اخلاقی، ایمانی، عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی نباشد. تفسیر، بیان مراد متکلم است و بهره‌برداری عرفانی و اخلاقی از لوازم آن کلام می‌باشد. مثلاً کسی که از کیفیت مذاکرات موسی علیه السلام با خضر علیه السلام و کیفیت جواب خضر علیه السلام، بزرگی مقام علم و آداب سلوک متعلم با معلم را استفاده می‌کند این چه ربط به تفسیر دارد؟!

۲- تفسیر به رأی، مربوط به آن دسته از آیاتی است که از قلمرو عقل و

---

دیگر کتاب‌های او می‌توان از سعادت‌نامه؛ ولایت‌نامه؛ التوضیح و الايضاح؛ تذهیب التهذیب و مجمع السعاده نام برد. او رساله احکام نداشت، هر چند به گفته بعضی علما - از جمله آیه الله شیرازی - مجتهد بود. وی در تفسیر بعضی از آیات الاحکام نظر خود را بیان کرده است. (ر.ک. مقدمه تفسیر بیان السعاده و مقدمه ترجمه تفسیر بیان السعاده)

برهان عقل بیرون باشد. هر کسی حق دارد که بر پایهٔ براهین عقلی به

سراغ قرآن برود. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۹-۲۰۰)

پس نگاه عرفانی امام خمینی به قرآن، تفسیر به رأی نیست؛ زیرا وی تفسیر به رأی را مربوط به آیات الاحکام می‌داند و در مورد آیات دیگر معتقد است هر کسی بر پایهٔ برهان‌های عقلی می‌تواند به سراغ قرآن برود.

### ۳. گرایش به عمل

قرآن، کتابی است که علاوه بر سیر و سلوک فردی، به سلوک اجتماعی توجه فراوانی کرده است. قرآن، کتاب عمل و هدایت و سازندگی است و به همهٔ آیاتش باید عمل شود. این نوع نگرش و زیربنای فکری است که امام خمینی را فردی انقلابی و عامل می‌سازد.

امام خمینی در نوشته‌های خود شیوه‌های قبل را برمی‌گزیند؛ اما در مقام هدایت جامعه و تشکیل حکومت، آنها را ناکارآمد معرفی می‌کند و در جایگاه رهبری جامعهٔ اسلامی، نگاه دیگری به قرآن دارد. امام خمینی در اولین تاریخی‌ترین دعوت مبارزاتی خود، خطاب به علما و ملت، با استناد به آیهٔ ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَالِكُمْ﴾ (سورهٔ سبأ، آیهٔ ۴۶) می‌فرماید:

بهترین موعظه‌هایی که خدای عالم از میانهٔ تمام مواظب انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده، این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام را به منزل خلت رسانده و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رهانده. (امام

خمینی، ج، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱)

در قرآن، دو گونه آیات وارد است: یکی، آیات عملی که باید توده به آن عمل کنند و در کشور باید مورد اجرا گذاشت، و دیگری آیات علمی که چنین نیست... آیاتی که از دستهٔ اول است چون عمومی است و برای

عمل کردن، باید با فهم عموم درست بیاید و در آنها تأویل و توجیه راه ندارد. لکن آیات و احادیثی که راجع به عملیات است و جنبه عملی ندارد، لازم نیست گوینده آن طوری بگوید که هرکس آن را بفهمد. (امام خمینی، ۱۳۶۳، ص ۲ و ۳۲۱)

اسلام، مکتب تحرک است و قرآن کریم، کتاب تحرک؛ تحرک از طبیعت به غیب، تحرک از مادیت به معنویت، تحرک در راه عدالت، تحرک در برقراری حکومت عدل. (پیشین، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۹۱ و ج ۴، ص ۱۸)

با توجه به این مطالب، گرایش تفسیری امام خمینی را چه می‌توان نامید؟ عرفانی، فلسفی، فقهی،...؟ شاید بتوان تفسیر امام خمینی را تفسیری جامع و هدایتی نام گذارد؛ زیرا وی قرآن را جامع و مقصد اساسی آن را هدایت انسان‌ها و ساختن فرد و جامعه الهی می‌داند و به همین دلیل گاه مانند عارفی کامل به تفسیر عرفانی قرآن و گاه به ابعاد اجتماعی - سیاسی آن و گاه در مقام یک مرجع دینی به استنباط احکام شرعی پرداخته است.

### نتیجه

با توجه به این‌که امام خمینی در زمینه‌های مختلف و با گرایش‌های متفاوت به تفسیر قرآن پرداخته است، گرایش تفسیری او را چه می‌توان نامید؟ عرفانی، فلسفی، فقهی،...؟ از آنجاکه وی در تفسیر خود گاه رویکردی عملی و گاه نظری داشت، آیا می‌توان برای این سبک نامی جامع و مانع ارائه نمود؟ بهترین عنوانی که می‌توان بر این تفسیر گذارد، تفسیر جامع و هدایتی است؛ چون وی قرآن را کتابی جامع و مقصد اساسی آن را انسان‌ها و ساختن فرد و جامعه الهی معرفی می‌کند و به همین دلیل، گاه مانند عارفی کامل به تفسیر عرفانی قرآنی و گاه به ابعاد اجتماعی - سیاسی آن و گاه در مقام یک مرجع دینی به استنباط احکام شرعی پرداخته است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امام خمینی، روح الله، آداب الصلوه (آداب نماز)، ۱۳۷۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۳. \_\_\_\_\_، باده عشق، ۱۳۶۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۴. \_\_\_\_\_، کشف الاسرار، ۱۳۶۳ ق، بی جا، بی نا.
۵. \_\_\_\_\_، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۸۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ هشتم.
۶. \_\_\_\_\_، قرآن کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی، ۱۳۷۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
۷. \_\_\_\_\_، الف، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
۸. \_\_\_\_\_، الف، رساله لقاء الله، ۱۳۶۰، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۹. \_\_\_\_\_، الف، سر الصلوه (معراج السالکین و صلوه العارفين)، ۱۳۶۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۱۰. \_\_\_\_\_، ب، محرم راز، ۱۳۶۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۱۱. \_\_\_\_\_، ب، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، ۱۳۶۰، ترجمه: سید احمد فهری، تهران، پیام آزادی.
۱۲. \_\_\_\_\_، ب، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هشتم.
۱۳. \_\_\_\_\_، ج، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۱۴. الجنابذی، سلطان محمد، بیان السعاده فی مقامات العباده، ۱۳۴۴، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۱۵. \_\_\_\_\_ ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده، ۱۳۷۶، ترجمه: محمد آقاخانی و حشمت الله ریاضی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۶. جناتی، ابراهیم، امام خمینی و قرائتی نوین از دین: مقاله امتیاز دیدگاه‌های فقهی امام خمینی، ۱۳۷۸، قم، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ اول.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله: بیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان، ۱۳۷۵، قم، اسراء، چاپ اول.
۱۸. \_\_\_\_\_ ولایت فقیه (ولایت، فقاها و عدالت)، ۱۳۷۸، قم، اسراء، چاپ اول.
۱۹. فصلنامه بینات، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا.
۲۰. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۱۹ و ۲۰.
۲۱. محمدی گیلانی، محمد، امام راحل و ققه سنتی، ۱۳۷۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج دوم.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق، بیروت: داراحیاء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی